

آنچه که سرد و استند آنچه درشت بدان رسید بر اضلال غبطان آدم را در اخرج اواز جنت  
 منافی خلافت در بوبیت آدمیت **نقش** آدمی صفت بر رخ جامع صورت خلق و حتی  
 در ولایع **سخت** مجرب و همخوانش ذات حق و صفات بچرخش متصل با ذات حق  
 مشتمل بر صفات ملکوت باطنی در محیط وحدت غرق ظاهرش خشک لب ب حرف  
 یک صفت نیست از صفات خدا که در ذات او بود پس بدانیم علم است بهمین صفت  
 مستکرم بر روی و قدر بچرخش از حقیق عالم بهمین چیزی بود در دو مدغم خواص  
 افلاک خواجه ارکان کبر خواجه کان و نبات و حیوان کبر صورت نیک ب نوشته  
 سیرت بود در درشته درو کر نمرات وجه باقی بود از چه در دند زشته را بچرخ  
 بود عکس جمال حضرت پاک اگر ابله بی نبرد چه پاک

**الحکمة والکلمة لمر سبق ما یجئ التنبه**

دکله دکله بانی نماند آنچه که در  
 علیه فی نرجه کل فص الامعنی لضاف کل حکمة بصفتها سبب خصاص  
 بران در نرجه هر فرض مکر معنی الصاف هر حکمت بصفت آن سبب اختصاص  
 الحکمة بالنبی الذی نسبت الیه الکلکمة فاقول الغف لغز امسال النفس  
 حکمة به نیک نسبت کرده فده است بود که پس میگویم که لغف در لغت ارسال نفس  
 مرخا و همناعبارته عن امسال النفس الرجائی اعنی افاضة الوجود  
 با سبب کسوی و در نرجه است از ارسال نفس رحمانه یعنی افاضه وجود  
 علی الماهیات القابلة له و الظاهرة به او عن القاء العلوم الالوهیة  
 بر ماهیات که قابلند آن وجود و ظاهرند آن وجود باعتبار است از القاء علوم الالوهیة

والتفاهة

والعطایا الالهیة فی هر مع من استعد لها تلذذ وقال رسول الله صل الله علیه  
 و عطا ای الهیة در خبر کسکه مستعد باشد بر انها فیک زود رسول صل الله علیه  
 و سلم ان روح القدس نقت فی روعی ان نفسان غوت حتی تستکمل  
 و سلم بدستیک روح نفس الفکر در دل من بدستیک روح نفس بر کرم خود در کرمه  
 الا فاجل فی الطلب او عن النفس للخصص من اهل علم الزوجانیه و الزیج  
 آگاه بشد برش بی کند در طلب باعتبار از لغت مخصوص است باهل علم روحیه و صاحب  
 و الغرام و الترتی شرعیها و حکیمها و هوبت الزوجانیه و بیطها فی اللغف  
 و عزیمتها و دعوت سخر عیبه و حکمه و او بر کنده کردن روحیه و بسط دادن  
 و اهرسها صوره الالامر للترتجه الیه ارباب علوم روحانیه و اصحاب علم الایرون  
 و ارسال آن روحیه از روی ترویجی هر چه نوحه الیه

و بر سخات حکمه و اهل معارف سهار حروف و دعوات شرعیه بعد از قرأت و حفظ و اعمال  
 مخصوصه نفسان بدان امر متوجه الیه در بی دهند چنانکه مشهور است که رسول الله صل الله علیه  
 علیه و سلم دعوات خواندی و در و میدی و چمنن از کبار امت ماثور است و حکم در  
 است که باطن منظوم است بر معانی الفاظ جارید بلسان و مستعجب از معانی منظوم بر سخات  
 از اسرار الهی که میسر می شود بر روحانیت آن و خواننده بیف آن روحانیت میکند  
 به بسط کردن آن در نفس و ارسال آن بحیثیت دران چنانکه منزه است بس حاصل  
 این کلام آن باشد که خلاصه علمی که متعلق است بوطایهی حاصل آمده از مرتبه فی صفت  
 و مبداء است حق سبحانه با خلاصه علمی که حاصل آمده بر سبب و هب نفیض الالهی  
 و التعلل با خلاصه علوم روحانیت متحقق و ثابت است در حقیقت روحانیه